

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

احمد مزارعی
۲۶ مارچ ۲۰۲۱



احمد مزارعی

زیبا کلام ونعل وارونه زدندش را بهتر بشناسیم



در آستانه رقابتهای ریاست جمهوری ایران

رئیس جمهوری آینده ایران باید:

یکم : صورت حساب بانکی دارائی خود و خانواده اش را طی سالهای خدمتش صادقانه و با حضور هیأتی ازمای مردم از طریق رسانه های جمعی در معرض دید ملت ستمدیده ایران قرار دهد تا مشخص شود که این فرد در زندگی خصوصی و عمومی خود صادق و خدمتگزار مردم بوده و خطائی در کارش نبوده است

دوم : در رسانه های جمعی کشور حضور یابد و در مقابل مردم به کلام الله مجید سوگند یاد کند که اموال مردم شامل کارخانه ها، زمینها و صدها مرکز تولیدی کشاورزی ، صنعتی و..... را که تحت عنوان ظالمانه و فریبکارانه خصوصی سازی توسط عده ای غارتگر اموال مردم به تاراج رفته است، با تشکیل یک هیأت امنای مورد اعتماد مردم، اموال

مسروقه ملت را به مردم بازگرداند، در مقاله زیر به بخش بسیار بسیار کوچکی از این غارتگریهای بی حساب و کتاب اشاره رفته که به قولی مشت نمونه خروار است.

این حد اقلی از وظیفه اسلامی، اخلاقی و اجتماعی هر فردی است که می خواهد در رأس قوه اجرائیه کشور قرار بگیرد و به مردم خدمت کند.

آقای رئیس جمهور آینده این گوی و اینهم میدان.

بفرمائید به مردم خدمت کنید.

زیبا کلام ونعل وارونه زدندش را بهتر بشناسیم – احمد مزارعی

نوشته: احمد مزارعی، سه شنبه ۳۰، اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۹

اخیراً کلبی از سخنان آقای زیبا کلام در رسانه های مجازی پخش شد که ایشان به «نقد» علمای قم در مورد جنبش «وال استریت» پرداخته که البته اینگونه نقد کردن نشانه ورشکستگی اخلاقی ناقد است، زیرا مسائل مهم کشوری آنهم توسط یک «شخصیت دانشگاهی» را نمی توان اینگونه به ابتذال کشید و اینگونه برخورد به مسائل مهم کشوری را باید به نوعی فرار از حقیقت و یا فرار به جلو نامید.

زیبا کلام از طرفداران پرو پا قرص رفسنجانی و حسن روحانی به ویژه در مورد خصوصی سازیها می باشد که به طور دائم از تریبون دانشگاه تهران و یا در مناسبتهای گوناگون دیگر، اشکارا از نولیبرالیسم و «مکتب شیکاگو» که نمایندگان هارترین جناح هیأت حاکمه امریکا، همچون جورج بوش، ترمپ و میلتون فریدمان می باشد دفاع می کند و آنگاه ادعا می کند که در ایران «آزادی بیان» وجود ندارد. البته آزادی مورد نظر ایشان آنچنان آزادیهای است که کسی مانع خصوصی سازیها و غارتگریهای اموال مردم توسط اصلاح طلبان نگردد.

پیروان «مکتب شیکاگو» و یا «اجماع واشنگتن» که هارترین جناحهای جنگ طلب و غارتگری در دنیا میباشند، از حمایت کنندگان اصلی نولیبرالیسم در دنیا بوده و به هیچ نوع آزادی بجز آزادی بازار و غارتگری باوری ندارند که در این سیاست خود با سوءاستفاده نامشروع از کلمه آزادی سیاستهای غارتگرانه خود را در جهان به پیش میبرند، جنگهای طولانی کشورهای غربی و اروپائی به رهبری امریکا در عراق، سوریه، لبنان، لیبی، افغانستان و نزولا و...، تحریم ظالمانه و حشیانه آنها علیه ملت ایران همه نشاندهنده ادعاهای دروغین دولتهای غربی و پیروانشان همچون زیبا کلام و... در مورد آزادی و دموکراسی است و عجباً که سرکوبها و فجایعی که اینان مرتکب میشوند تحت نام «آزادی و دموکراسی» انجام میپذیرد.

آقای زیبا کلام برای سرپوش گذاشتن بر ماهیت واقعی سیاستهای نولیبرالی که خود بطور دایم در مطبوعات ایران به تبلیغ آن میپردازد، به شکل مستهجنی موضوع خیالی آمدن نمایندگان «جنبش وال استریت» امریکا به قم صحبت میکند تا موضوع اصلی عملکرد نیولیبرالیستی و فجایعی که این سیاست در جهان و ایران به وجود آورده است را لوث کند.

«جنبش وال استریت امریکا» جنبش نودونه درصدی مردم محروم و فقیر امریکا بود که پس از شکستهای پی در پی امریکا در جنگهای مختلف جهانی و بویژه بحران سال دوهزار و هشت به ظهور رسید و دولت امریکا بار همه فشارهای این شکستها را به ملت امریکا تحمیل نمود، در این شرایط سخت بود که اکثریت ستمدیدگان با تجمع در ایالتهاهای مختلف امریکا طی بیانیه مشترکی در هفت مورد که همه نشان از ظلم و ستم و محرومیت آنها داشت، از دولتمردان امریکا خواستار بهبود وضعیت خود شدند. این جنبش طی مدت کوتاهی در بیشتر ایالتهاهای امریکا، کانادا و انگلستان گسترش

یافت و توانست جهانیان را متوجه وضعیت رقت باری کند که اکثریت مردم امریکا از آن رنج میبردند. متأسفانه دولت امریکا کوشید جنبش مزبور را آرام آرام بوسیله پلیس در شهرها محاصره، فرسوده و منزوی کند. آقای زیبا کلام با طرح مبتذل خواسته های این جنبش در برابر روحانیون قم در حقیقت این جنبش گسترده انسانی را لوٹ میکند ولی از آن سیاست ضد اخلاقی و ضد انسانی که دولت امریکا برای ملت محروم خود و جهانیان به وجود آورده است سخنی نمیگوید و بدین شکل نیولیبرالیسم که باعث و بانی همه این فجایع میباشد و خودش نیز از طرفداران اصلی آن در ایران است، تبرئه میکند.

سوغات نیولیبرالی آقای رفسنجانی و شاگردان وفادارش زیبا کلام، آقای روحانی و طیف وسیع اصلاح طلبان برای ملت ایران چه بوده است؟

نگاه کنید به وضعیت رقت بار مسکن، صنعت خودرو سازی، وضعیت بهداشت کشور، وضعیت دردناک کشاورزان و کشاورزی، وضعیت پراز هرج و مرج فرهنگ و آموزش و پرورش، نگاه کنید به غارت اموال عمومی مردم تحت عنوان خصوصی سازی، نگاه کنید به عواقب فاجعه باری که سیاستهای این آقایان برای ملیونها نفر از مردم ایران به وجود آورده اند؟ در نتیجه این سیاستها بیش از نیمی از جمعیت ایران بیکار، سرگردان، بدون آینده ای روشن، محروم از کار، محروم از مسکن مناسب، محروم از برخورداری یک نظام بهداشتی که لایق انسان باشد، نگاه کنید به صندوق بیمه فرهنگیان و باز نشستگان و غارتهایی که در آنها انجام گرفته است و هیچکس هم پاسخگو نیست. بیشتر نوشتن در این وضعیت فاجعه بار سیستم غذائی کشور، در نتیجه نبود یک نظام سالم و لایق، اکثریت مردم مجبورند فاسد ترین غذاها را مصرف کنند که محصولش بجز انواع بیماریها و سرطان و تومور نیست و چرا نظامی که آقایان اصلاح طلب و در رأس آنها همین زیبا کلام، روحانی، خانواده رفسنجانی، لاریجانی و صدها اصلاح طلبی که برای حیات و ممت مردم پیشیزی ارزش قایل نیستند.

توصیه زیبا کلام و همفکرانش به مردم ایران در روزنامه شرق نهم فروردین ۱۳۹۹:

«با ترامپ توافق نکنیم ترور فرماندهان نظامی تکرار می شود/ زیبا کلام: مدیریت جهادی شعاری پوپولیستی است» این توصیه به معنی تسلیم شدن بدون هیچ قید و شرطی به امریکا و سیاستهای غارتگرانه آن و بر باد دادن همه دستاوردهای انقلابی و ضد استعماری یکصد ساله مبارزه ملت رنج دیده ایران، به معنی تبدیل ایران به عربستانی دیگر تا حیات و ممت هشتاد ملیون ایرانی در چنگال خون الود جنرالهای امریکائی باشد. و تو خود بخوان حدیث مفصل از این مجمل آقای زیبا کلام به همراهی دکتر عبدالکریم سروش که امروز از مشتریان پروپا قرص رسانه های امپریالیسم امریکا میباشد.... / کار خود را در آستانه انقلاب شکوهمند بهمن تحت عنوان «انقلاب فرهنگی» در دانشگاههای ایران آغاز کردند صدها دانشجو به اعدام و شکنجه محکوم شدند هزاران دانشجو در سراسر کشور آواره و بیکار شدند و هزاران استاد و دانشجو آواره کشورهای خارجی شده که باعث بزرگترین خسارت علمی به بنیان کشور در آستانه انقلاب گردید. عملکرد دانشگاههای کشور تحت رهبریهای «داهیان» رفسنجانی، بادامچی، عبدالکریم سروش و زیبا کلام امروز به انچنان وضعیت گریه آوری رسیده که دانشجویان هیچ امیدی به آینده خود ندارند و تازه پس از فارغ التحصیل شدن تبدیل به یک منفعت طلب برای ثروت اندوزی میشوند.

امروز در ایران هر کس بخواهد دکتر و مهندس شود به جلوی دانشگاه تهران رفته تعدادی مقاله دکتری و مهندسی میخرد، از حفظ میکند و در دانشگاه با «رتبه عالی» دکتر، دکترا و مهندس میشود.

و اما دانشجویانی که تحت رهبری نیولیبرالیستی آقایان زیبا کلام، خاندان «جلیل القدر رفسنجانی، بادامچیان و...» به خارج کشور برای ادامه «تحصیل» میروند به اینچنین موجودات «عجیب الخلقه ای» تبدیل میشوند:

خطاب به حسن روحانی:

محمود بهمنی، رئیس سابق بانک مرکزی از ابعاد ثروت های کلان ۵۰۰۰ اقا زاده در خارج از کشور (۱۴۸ میلیارد دلار) پرده برداشت و گفت: «موجودی حساب «آقازاده ها» بیشتر از ذخایر ارزی کشور است». این در حالی است که فقط ۳۰۰ نفر از اینها در حال تحصیل اند و مابقی معلوم نیست چه کاره اند.

اکنون با توجه به نیاز مبرم کشور به پول برای غلبه بر کرونا بهترین فرصت برای مصادره ثروت های نامشروع و غارت شده است و رئیس جمهور هم به جای دل بستن به «الطاف» غرب می تواند در این راه بکوشد و برای خود اعتبار «واقعی» بخرد.

حال در نظر بگیرید با وجود این غارتگری اموال مردم آقای روحانی اصلاح طلب برای پنج میلیارد دلار وام ، دست گدائی بسوی بانک جهانی دراز میکند که مدیرانش امریکائی واسرائیلی میباشند

یکی از اقدامات اولیه آقای رفسنجانی و همدستش زیبا کلام و.../دردوره «سازندگی» اجرای دستورات بانک جهانی در مورد اجرا گذاشتن خصوصی سازی مراکز صنعتی ، تولیدی و خدماتی سراسر کشور و مقررات زدائی از اکثر موسسات کشوری بود. مقررات زدائی، به این معنی که در همه ادارات فرهنگی ، بهداشتی ، مسکن ، کشاورزی و.../هیچگونه مقرراتی وجود ندارد و مدیران این مراکز خود میتوانند هرآنچه را که اراده کنند اجرا کرده و به مردم تحمیل کنند ، و یا لغو قرارداد های کار دائمی و تبدیل ان به موقتی و هم اکنون بیشتر از نود درصد نیروی کار کشور موقتی است در صورتی که حتی تا چند سال بعد از انقلاب برعکس تا نود درصد نیروی کار دائمی و در عهده دولت بودند و با ارامش و بدون دغدغه بیکار شدن زندگی میکردند و وحشت بیکار شدن همچون دوره رفسنجانی ، زیباکلام و روحانی انها را زجر نمیداد زیرا نه مقررات زدائی شده بود و نه تعدیل نیروی انسانی و نه موقت سازی نیروی کار و نه معافیت همه کارگاهائی که بین پنج تا ده کارگر داشتند از حق بیمه شدن ، حال در چنین شرایطی آقای زیبا کلام از نبود آزادی صحبت میکند و اینکه بهتر است ایران با خفت و خواری دست به دامن ترامپ و عربستان شود که فرماندهانش را ترور نکنند. ، قوانین ظالمانه ای که تا نود درصد کارگران و کارکنان را دربر میگرفت، قوانین موجود کار که محصول تفکرات نیو لیبرالیستی آقای رفسنجانی ، زیبا کلام و روحانی است به کارفرما اجازه میدهد که هر لحظه اراده کند عذر کارگروکارمند خود را بخواهد ، زیرا هیچگونه قراردادی فیما بین نیست و یا قراردادهای سفیدی است که کارفرما تنها با نوشتن تاریخی بدست کارگر و یا کارمند خود بدهد و وی را به امان خدا رها کند.

آنچه که آقای زیبا کلام در شکل طنزی سخیف در برخوردش با علمای قم مطرح میکند ، همان سیاستهائی است که خود و همفکرانش از پیشگامان اجرای ان در ایران بوده و هستند. سالها است که آقای زیبا کلام اشکارا از تربیونهای دانشگاهی و غیر دانشگاهی از سیاستها نیو لیبرالیستی و آزادیهای فردی صحبت میکند ولی نمیتواند توضیح دهد که این آزادیهای لیبرالیستی ایشان چه روزگار سیاهی را برای اکثریت ملت ایران رقم زده است.

باید گفت که میان آزادیهای فردی و دموکراسی فرق است، بدون شک آزادی فردی در بسیاری زمینه های شخصی و در حدی که به آزادی و حیثیت دیگران آسیبی وارد نکند ضروری است ، اما آزادیهای فردی را نمیتوان با دموکراسی اشتباه گرفت، در یک نظام دموکراتیک فرد میتواند برای حقوق اقتصادی ، فرهنگی ، حق بهداشت ، مسکن، حق آزادی بیان ، آزادی حق تشکل و حق دفاع از شخصیت حقوقی خود دفاع کند و انها را به حیطه عمل در آورد. اما صرف آزادیهای خصوصی نمیتواند مشکلات فوق را حل کند.

دربسیاری کشورهای دنیا آزادیهای فردی وجود دارد ولی زندگی اقتصادی آنها تامین نیست، در این کشورها زنان و مردان از اندن هر نوع لباسی بپوشند و یا نیم برهنه به خیابان بیایند اما این نوع آزادیها نیازمندیهای ضروری زندگی آنها را تامین میکند؟ بدون شک پاسخ منفی میباشد.

در زیر میتوان به ابعاد و تفکرات آزادیهای نیو لیبرالیستی اصلاح طلبان و در راس آنها آقایان زیبا کلام، روحانی، خانواده رفسنجانی و.../پی برد که چگونه ملت ما را در یک بن بست اقتصادی و اجتماعی قرار داده اند.

خصوصی سازی های نولیبرالی در ایران

ابعاد جدید فساد در خصوصی سازی/فروش کارخانه ۱۰ هزار میلیاردی به ۷۰ میلیارد تومان به یک بی سواد/حراج هپکو توسط وزیر اصلاحات

احمد علیرضا بیگی نماینده مجلس در تشریح ابعاد جدید فساد در خصوصی سازی از فروش کارخانه ۱۰ هزار میلیارد تومانی به قیمت ۷۰ میلیارد تومان به یک بی سواد و نقش آفرینی وزیر دولت اصلاحات در ماجرای حراج هپکو خبر داد.

۲۱ دی ۱۳۹۷ اقتصادی اقتصاد ایران بازار سهام | بورس نظرات

ابعاد جدید فساد در خصوصی سازی/فروش کارخانه ۱۰ هزار میلیاردی به ۷۰ میلیارد تومان به یک بی سواد/حراج هپکو توسط وزیر اصلاحات

به گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم، ماجرای واگذاری شرکت های دولتی به بخش خصوصی که سازمان خصوصی سازی مسئولیت انجام آن را عهده دار بوده با درز اطلاعاتی از نحوه واگذاری ها، خریداران و خصوصاً قیمت فروش برخی شرکت ها و کارخانجات بزرگ که برخی از آن ها جزو صنایع منحصر به فرد کشور بوده اند، به نقطه حساسی رسیده و اطلاعات منتشر شده از این واگذاری ها ابهامات بسیاری را برای مردم، کارشناسان اقتصادی و نمایندگان مجلس ایجاد کرده است؛ ابهاماتی که نشان دهنده حیف و میل برخی اموال دولتی در جریان این واگذاری ها است.

احمد علیرضاییگی استاندار اسبق آذربایجان شرقی و نماینده مردم تبریز، اسکو و آذرشهر در گفت و گو با خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم، با تشریح برخی از جزئیات این واگذاری ها که طی یک بازه زمانی بیش از یک دهه ای رخ داده، پرده از مشکلاتی برمی دارد که معتقد است می تواند به عنوان یک سناریوی از پیش طراحی شده، مورد بررسی قرار گیرد؛ مسائلی که بروز آن در این ابعاد و نادیده گرفتنش طی بیش از یک دهه گذشته، حکایت از ضعف شدید دستگاه های اطلاعاتی و سازمان های عریض و طویل نظارتی است.

او در این گفت و گو با تاکید بر اینکه در اغلب این موارد، واگذارکنندگان این شرکت ها و صنایع، در ابتدا آن ها را به ورشکستگی و ضرردهی رسانده و سپس با قیمت پائین به افراد فاقد صلاحیت فروخته اند می گوید: در موارد متعددی از این واگذاری ها، خریدار و فروشنده یا حتی ارزیاب قیمت و خریدار یک نفر بوده اند.

به گفته وی تا امروز معادل ۸۸ میلیارد دلار از شرکت های دولتی توسط سازمان خصوصی به فروش رفته که باید مشخص شود این واگذاری ها و عواید حاصل از آن که معادل سه برابر بودجه کشور است، تا چه اندازه باعث رونق اقتصاد و تقویت بخش خصوصی در کشور شده است.

۸۸ میلیارد دلار (۳ برابر بودجه سال) توسط سازمان خصوصی سازی واگذار شده

نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه اصل ۴۴ قانون اساسی از جمله اصول مترقی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است گفت: این قانون لزوماً می تواند یک تحول در اقتصاد کشور به وجود آورده و اسباب

رونق و تقویت بخش خصوصی و اقتصاد کل کشور را فراهم کند؛ از ابتدای ماجرای خصوصی سازی در کشور، ۸۸ میلیارد دلار از سرمایه‌های این مملکت در قالب خصوصی سازی به فروش رسیده است؛ یعنی با حساب امروز معادل سه برابر بودجه یک سال کشور! خب باید معلوم شود این درآمدها کجا هزینه شده و چه گشایشی برای اقتصاد کشورمان و تقویت بخش خصوصی به وجود آورده است.

علیرضا بیگی ادامه می‌دهد: اما گزارشات به دست آمده نشان می‌دهد متاسفانه کارگزاران خصوصی سازی در کشورمان از همان ابتدا با قبیله‌گرایی سیاسی، واحدهای مشمول خصوصی سازی را در ابتدا به ضرردهی کشاندند و پس از آن، این واحدها را به ثمن بخس فروختند. گاهی این واحدها را به خودشان یا کسانی که از طرف آنها وارد معامله شدند فروختند و مواردی از این دست که نمونه‌های بسیاری هم در این موارد وجود دارد.

وی گفت: متاسفانه نمونه‌هایی که امروز با آنها مواجهیم، حکایت از ابهامات گسترده و دامن‌داری در فروش برخی از واحدهای صنعتی در این بخش دارد و حالا که پرونده واگذاری برخی از این موارد نیز در دستگاه قضائی در حال بررسی است، ارتباطات برخی از این افراد در حال روشن شدن است. این موارد به اندازه‌ای است که امروز در ذهن من و برخی از همکارانم این ایده در حال شکل‌گیری است که واگذاری‌های اینچینی بر اساس یک سناریوی از پیش طراحی شده شکل گرفته است.

جزئیاتی جدید از فروش «ماشین‌سازی تبریز» توسط سازمان خصوصی‌سازی/ فروش ماشین‌سازی ۱۰ هزار میلیارد تومانی به قیمت ۷۰ میلیارد تومان

استاندار اسبق آذربایجان شرقی با اشاره به ماجرای فروش شرکت ماشین‌سازی تبریز اضافه کرد: در حوزه برخی از صنایع منحصر به فرد که بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی، نباید به فروش می‌رسید، به آنها هم رحم نشده و به ثمن بخس فروخته شدند؛ برای مثال همین ماجرای واگذاری ماشین‌سازی تبریز که در حوزه انتخابیه من اتفاق افتاده یکی از همین موارد است؛ این واحد در خاورمیانه هیچ همتائی نداشته و به واسطه این کارخانه بزرگ، تکنولوژی بزرگی وارد کشور شده است. ماشین‌سازی، می‌تواند پشتوانه صنایع نظامی، موشکی و حتی هسته‌ای ایران باشد و این کارخانه چنین ظرفیتی را دارد؛ لذا با یک برنامه حساب‌شده، همین کارخانه ماشین‌سازی را ضررده می‌کنند و بعدش این کارخانه منحصر به فرد را به کسی می‌فروشند که ۴ کلاس سواد هم ندارد.

وی اضافه کرد: این در حالی بود که ما بارها از سازمان خصوصی سازی پیگیر شدیم که خریدار کارخانه عظیم و منحصر بفرد ماشین‌سازی تبریز چه کسی است؟ اهلیت او از کجا تأیید شده؟ ولی آنها در جواب به ما اعلام می‌کردند که اطمینان می‌دهیم خریدار، تمام شرایط را دارا است؛ تازه بعد از فروش، ما متوجه می‌شویم این کارخانه به کسی فروخته شده که نه تنها اهلیت لازم را ندارد، بلکه یک اخلالگر ارزی است؛ فردی که طی سال‌های ۹۴ تا ۹۷، قریب به نیم‌میلیارد دلار ارز دولتی دریافت کرده و از محل درآمد مابه‌التفاوت ارز دولتی و آزاد، پول خرید ماشین‌سازی تبریز را به دست آورده. جالب اینجاست که حالا مشخص شده این فرد با خریدار شرکت هفت تپه هم مرتبط است؛ دو جوان ۳۰ ساله‌ای که دارای سابقه جعل و دسیسه هستند و از محل تقلب و جعل و رشوه، بیش از یک میلیارد دلار ارز دولتی دریافت کرده‌اند و با خریدار ماشین‌سازی، در ارتباط بوده‌اند و به نوعی ارتباط سازمان‌یافته با یکدیگر داشتند. نکته جالب دیگر این است که همه این افراد یک نقطه ارتباط دیگر در بانک مرکزی داشته‌اند که چنین پول‌هایی را دریافت کرده بودند و سرمایه‌های قابل توجهی را به جیب زدند.

نماینده مردم تبریز اضافه کرد: البته در تحقیقات بعدی هم معلوم شد هیچ استعلامی در رابطه با سابقه این افراد انجام نشده بود. یعنی مشکل اصلی این بوده که اصلاً اراده‌ای برای احراز صلاحیت این افراد در زمان واگذاری وجود نداشته است.

علیرضا بیگی با تأکید بر اینکه در فروش ماشین سازی تبریز، قوانین و مقررات حاکم بر اصل ۴۴ قانون اساسی نادیده گرفته شده است افزود: وقتی ما به این موضوع اعتراض کردیم که چرا این قوانین را رعایت نکردید، در جواب گفتند ما این شرکت را بر اساس اصل ۴۴ فروختیم بلکه ما این شرکت را به نیابت از صندوق بازنشستگی فولاد فروخته‌ایم که دولت برای حل مشکل این صندوق در پرداخت حقوق بازنشستگان فولاد، ماشین سازی را به صورت صوری واگذاشته. این واگذاری صوری از آن رو بوده تا با گرو گذاشتن آن نزد خزانه، پول مورد نیاز این صندوق، در اختیارش قرار گیرد. با این وجود وقتی این ادعا را مطرح کردند ما طی نامه‌ای به مدیرعامل فولاد موضوع را پیگیری کردیم و ایشان در نامه‌ای کتبی عنوان کرد «ما مالک کارخانه ماشین سازی تبریز نیستیم» و حتی در پایان نامه، صراحتاً عنوان اعلام کرد که دیگر در رابطه با آن‌ها مکاتباتی نداشته باشیم چون آن‌ها هیچ ارتباطی با ماشین سازی تبریز ندارند. در چنین شرایطی سازمان خصوصی سازی اعلام می‌کند که این سازمان، کارخانه ماشین سازی تبریز را به نیابت از صندوق فولاد فروخته است و از همین رو مدعی هستند تکلیفی نداشته‌اند که الزامات قانونی اصل ۴۴ را مراعات کنند.

وی با انتقاد از قیمت واگذاری ماشین سازی تبریز نیز گفت: در جریان واگذاری این شرکت منحصر به فرد که ۵ هزار میلیارد تومان ارزش زمین آن بدون تاسیسات بوده و ۵ هزار میلیارد تومان هم ارزش ماشین‌آلات آن بوده و در شرایط فعلی تحریم که دیگر نمی‌توان این ماشین‌آلات را وارد کشور کرد، قیمت‌گذاری روی این ماشین‌آلات ممکن نیست، قیمت کارشناسی را ۱۷۰۰ میلیارد تومان اعلام کردند و جالب‌تر اینکه از این رقم، تنها ۷۰ میلیارد تومان پرداخت شد؛ یعنی کل مبلغی که بین خریدار و فروشنده رد و بدل شده تنها ۷۰ میلیارد تومان بوده است.

واگذاری نیشکر هفت تپه به قیمت ۱۰ میلیارد تومان

او با اشاره به قیمت‌گذاری و نحوه فروش نیشکر هفت تپه نیز خاطرنشان کرد: خریدار نیشکر هفت تپه، یک صنعت ۲۰۰۰ میلیارد تومانی را به قیمت ۲۲۶ میلیارد تومان خریداری می‌کند که از این مبلغ هم فقط ۱۰ میلیارد تومان را پرداخت می‌کند. این کارخانه با این نحوه درحالی واگذار شد که ابعاد دامن‌دار امنیتی، اجتماعی و اقتصادی این واگذاری را مردم مظلوم خوزستان متحمل شدند.

واگذاری مجتمع گوشت اردبیل مشابه رشت الکتریک/ وزارت اطلاعات بگوید چه ارتباطی بین خریداران گوشت اردبیل و کشت و صنعت مغان است؟

علیرضا بیگی درباره ابهامات واگذاری مجتمع گوشت اردبیل که توسط رئیس فعلی سازمان خصوصی سازی و رئیس وقت سازمان خصوصی سازی در زمان اعلام فروش این شرکت بود، گفت: خریدار مجتمع گوشت اردبیل، فردی بوده که در سال ۸۴ رئیس سازمان خصوصی سازی وزارت اقتصاد و دارایی بوده؛ این فرد ۳ ماه قبل از اینکه از این سمت کنار گذاشته شود، ترتیب فروش مجتمع گوشت اردبیل را می‌دهد و یک ماه بعد از کنار گذاشته شدنش از این سمت، این مجتمع را خریداری می‌کند. جالب اینجا است که فروش مجتمع گوشت اردبیل به شرکتی انجام می‌شود که سال بعد از واگذاری، تازه متولد می‌شود؛ این یعنی سال بعد از واگذاری این مجتمع، شرکت خریدار مجتمع گوشت اردبیل، ثبت شده است. مشابه آنچه در جریان واگذاری «رشت الکتریک» رخ داد در واگذاری مجتمع گوشت اردبیل هم اتفاق افتاده است. به گفته وی امروز وزارت اطلاعات و دستگاه‌های اطلاعاتی کشور باید مشخص کنند چه ارتباطی بین خریداران مجتمع

گوشت اردبیل و خریداران کشت و صنعت مغان وجود دارد. چراکه مجتمع گوشت اردبیل بخشی از شرکت کشت و صنعت مغان بوده ولی به نظر می‌رسد برخی‌ها قصد داشتند در یک بازه زمانی ۱۲-۱۳ ساله از این واحد کوچکتر به کل مجتمع کشت و صنعت مغان برسند و آن را تصرف کنند.

باز شدن پای وزیر سابقه‌دار در ماجرای هپکو/ وام‌های کلان گرفتند و هپکو را ۱۰ میلیون تومان فروختند او با اشاره به واگذاری هپکو و اتفاقاتی که در حین واگذاری این شرکت رخ داده بود اظهار کرد: زمانی، صنعت منحصر به فردی مثل هپکو، تامین‌کننده اصلی ماشین‌آلات راهسازی کشور بود؛ این مجتمع بزرگ در سال ۸۳ به اقوام یکی از وزرای وقت واگذار می‌شود و آقای وزیر یکی از اعضای هیئت مدیره هپکو می‌شود و مبالغ قابل توجهی وام در اختیار صنعت ماشین‌آلات راهسازی هپکو قرار می‌گیرد؛ با گذشت زمان و با واردکردن ماشین‌آلات راهسازی مستعمل، عملاً هپکو از حیز انتفاع ساقط می‌شود و نهایتاً این صنعت منحصر به فرد با قیمت ۱۰ میلیون تومان به یک شکلات فروش فروخته و واگذار می‌شود.

ارزیاب قیمت «نیروگاه اصفهان» بعد از فروش مدیر نیروگاه شد/ واگذاری عجیب در راه‌آهن؛ وقتی فروشنده و خریدار یکی است

بیگی با اشاره به تخلفاتی مثل واگذاری شرکت‌ها درحالی که ارزیاب یا فروشنده، در نقش خریدار هم به معاملات ورود کرده‌اند گفت: نیروگاه اصفهان هم به یکی از اقوام یکی از مسئولان وقت وزارت نیرو فروخته می‌شود که امروز یکی از مسئولان ارشد وزرات نفت است؛ این واگذاری در حالی انجام شده که فردی که نیروگاه اصفهان را قیمت گذاری کرده و کارشناس قیمت گذاری برای واگذاری این نیروگاه بوده امروز از مدیران آن مجموعه است. شما نگاه کنید متأسفانه موارد متعددی وجود دارد که ارزیاب و کارشناس قیمت گذاری همان خریدار بوده، یا فروشنده، همان خریدار بوده است. متأسفانه بررسی‌ها نشان می‌دهد که علاوه بر حرف و نقدهای جدی که در زمینه قیمت گذاری این نیروگاه وجود دارد، همه مبالغی که از بابت ثمن این معامله پرداخت شده، همان روز از یک بانک، وام گرفته شده و در وجه خصوصی سازی واریز شده است؛ این یعنی عملاً خریدار این نیروگاه آورده‌ای بابت این خرید، نداشته است.

مدل مشترک واگذاری شرکت‌های دولتی؛ اول ورشکسته‌کردن شرکت‌ها بعد فروش

نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی با تاکید بر تکرار الگویی خاص در نحوه واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی گفت: تقریباً واگذاری این شرکت‌ها از یک مدل و الگو تبعیت می‌کنند؛ یعنی در ابتدا همه این شرکت‌ها ورشکسته‌شده و به زمین زده شدند و بعد، به فروش رسیده‌اند؛ واقعاً باید از این آقایان پرسید که شما اگر ماشین خودتان را می‌خواستید بفروشید با همین الگو حاضر به فروشش بودید؟ با این شکل و شیوه‌ای که به یک دهم قیمت به فروش می‌رود؟ عقل سلیم می‌گوید وقتی شما ماشین یا خانه‌تان را می‌خواهید بفروشید، مشکلات و عیب و نقص‌ها را بر طرف می‌کنید، ماشین را کارواش می‌برید، اگر لکه‌ای دارد، آن را بر طرف می‌کنید تا به بهترین قیمت بفروشید نه اینکه خرابی‌هایش را بیشتر کنید تا با قیمت پائین‌تر به فروش برسانید.

وی ادامه داد: متأسفانه سازمان‌های نظارتی ما ضعف عمده‌ای داشته‌اند؛ با در کنار هم قرار دادن این موزائیک‌ها، حداقل عقل من می‌گوید احتمالاً یک سناریو برای همه این موارد وجود دارد؛ جالب‌تر اینکه این واگذاری‌ها اساساً اصلاً پیچیده نبوده؛ مثلاً شرکت به پسر عموی فلان آقا واگذار شده یا به کسی واگذار شده که مسئول بوده و در هیئت مدیره هم عضویت داشته و مواردی از این دست که کاملاً مشخص است و به هیچ وجه پیچیده هم نبوده. این‌ها مواردی نبوده که دستگاه‌های اطلاعاتی ما با قدرتی که دارد و مجموعه عریض و طویل دستگاه‌های نظارتی نتوانند آن‌ها را کشف کنند.

واگذاری‌ها باید به صورت شفاف اعلام شود/ آقایان مدعی محرمانه بودن اطلاعات قراردادها هستند

علیرضا بیگی با تاکید بر اینکه قرارداد واگذاری شرکت‌های دولتی باید به صورت شفاف در اختیار عموم قرار گیرد گفت: متأسفانه این واگذاری‌ها در شرایطی رخ داده که ما کمترین اطلاعات از نحوه واگذاری‌ها را در اختیار داریم و آقایان در بسیاری از موارد مدعی محرمانه بودن اطلاعات هستند در حالی که همه این معاملات باید در سامانه مربوطه به اطلاع عموم مردم و نمایندگان برسد؛ لذا باید با اهرم تحقیق و تفحص به این ماجرا ورود کنیم تا حقوق مردم و بیت المال محقق شود.

وی در پایان خاطرنشان کرد: این صحبت‌ها اسباب دلسردی مردم است ولی ما مصمیم کسانیکه با قبیله گرایی سیاسی چنین جنایت‌هایی را در حق مردم مرتکب شده‌اند، پای میز محاکمه بکشانیم. یک کار سنگین حقوقی نیاز است تا این پول‌ها و سرمایه‌ها به بیت المال برگردد